

## تبارشناسی جریان التقاط در مطالعات تفسیری معاصر ایران

صابر اکبری جدی\*

### چکیده

در سده اخیر، ظهور موج اصلاح‌گری و نواندیشی دینی با رویکرد بازگشت به قرآن، فصل جدیدی در تفکر دینی، مطالعات قرآنی و تفسیر قرآن کریم گشوده است. آن چه این دوره را متمایز می‌کند ظهور رویکردهای نوین به دین و تفسیر قرآن است. در این میان جریان «التقاط» به‌ویژه در ایران تأثیر به‌سزایی در اندیشه دینی، تفسیر و مطالعات قرآنی داشته است. این مقاله به تبارشناسی التقاط و بررسی اشکال دگرگونی آن می‌پردازد. از این‌رو ابتدا با ارائه تعریفی روشن از التقاط، پیشینه و زمینه‌های آن تبیین می‌گردد. سپس با ارائه مصادیق آشکار، روزه‌های نفوذ التقاط در نواندیشی دینی و تفسیر قرآن، نمایانده و در نهایت به دسته‌بندی و معرفی کوتاه سه جریان اصلی التقاط در سده اخیر ایران پرداخته می‌شود. به این امید که بتوان با نقد و بررسی جریان التقاط مطرود و تفکیک آن از نوآوری مطلوب، از یک سو حربه اتهام التقاط را در برابر نوآوری روشمند ناکارآمد کرد و از سوی دیگر به روند شتاب‌آمیز مطالعات قرآنی و اشتیاق روز افزون به تفسیر قرآن، کمک نمود تا محققان، قرآن‌پژوهان و مفسران جوان، ناخواسته در دام التقاط‌های نوین و نهان گرفتار نشوند.

### واژگان کلیدی

تفسیر قرآن، مطالعات قرآنی، التقاط، جریان التقاط، نواندیشی دینی.

s.akbarijedi@yahoo.com  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۲

\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اردبیل.  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۷

## طرح مسئله

ظهور موج اصلاح‌گری و نواندیشی دینی با رویکرد بازگشت به قرآن، فصل جدیدی در تفکر دینی معاصر و تفسیر قرآن کریم باز کرده است. امتیاز این دوره، ظهور نهضت اصلاح دینی در جهان اسلام با رویکردهای نوین به دین و تفسیر قرآن است از قبیل:

- رویکرد علمی و تجربی متأثر از پیشرفت علوم تجربی در غرب.

- رویکرد اجتماعی به‌ویژه با وجهه انقلابی - مارکسیستی متأثر از جریان چپ فکری پس از پیروزی انقلاب کمونیستی روسیه در سال ۱۹۱۷ میلادی و گسترش آن در کشورهای مختلف جهان.

- رویکرد عقلی - فلسفی متأثر از جریان فلسفی جدید غرب به‌ویژه در حوزه دین و معرفت‌شناسی.

- رویکرد ناسیونالیستی در میان اعراب و تلقی اسلام به مثابه میراث فرهنگی اعراب و مطالعه قرآن به‌عنوان کتاب بزرگ قوم عرب.

- رویکرد زبان‌شناسی و نقد ادبی متأثر از تحولات ادبی و نقد ادبی جدید در غرب.

- جریان سلفی و بنیادگرایانه.

در مقابل این رویکردها که بیشتر به دنبال تطبیق دین و قرآن بر مقاصد خود بودند، رویکردهای دیگری نیز ظهور کرد همچون:

- جریان قرآنیون که با داعیه قرآن‌بستگی و با بی‌اعتبار دانستن حدیث و سنت، تنها قرآن را مبنای مطالعات دینی خود قرار دادند.

- جریان تفسیر تدبری براساس استنتاج قرآن.

- رویکرد استفاده و استخراج همه دانش‌ها از قرآن.

- نگاه تفکیکی متأثر از مکتب معارفی خراسان که بر اندیشه ناب دینی و غنای ذاتی منابع

و حیانی تأکید می‌کرد.

در این دوره «التقاط» با اشکال مختلف در اندیشه دینی و مطالعات معاصر قرآنی - به‌ویژه در ایران - تأثیر به‌سزایی داشته است که کمتر به شکل مستقل به آن پرداخته شده است.

پایه‌گذاری ادبیات علمی دقیق درباره «التقاط»، تبیین نسبت آن با نواندیشی و تبارشناسی جریان التقاط، می‌تواند به روند شتاب‌آمیز مطالعات قرآنی کمک کند تا محققان و قرآن‌پژوهان از «التقاط‌های نوین و نهان» بهره‌مند شوند.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. نواندیشی دینی

نواندیشی دینی و تجددگرایی اسلامی معاصر که با نام‌های «روشن‌فکری دینی»، «نواندیشی دینی»، «اصلاح تفکر دینی» و «احیای تفکر دینی» از آن یاد می‌شود، واکنشی بود که از سوی برخی از تحصیل‌کرده‌های مسلمان در مواجهه با ورود فرهنگ غرب در جوامع اسلامی ظهور یافت. نگرش انسان‌مدارانه، توسعه‌گرایی، علم‌گرایی، تکیه بر خرد ابزاری و آینده‌گرایی از جمله ویژگی‌های این جریان فکری به‌شمار می‌آید. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۳۰۱ - ۲۷۹)

تاریخ اندیشه دینی در یک قرن اخیر، با نهضت‌های اجتماعی به‌ویژه نهضت‌های اصلاح دینی درهم تنیده است. نهضت نواندیشی در عالم اسلام، خاستگاه و خواسته‌های دینی و دنیوی داشته است. سلسله‌جنبان نهضت‌های اصلاح‌طلبی در عالم اسلام، مواجهه وسیع با فرهنگ غرب بوده است که بر ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه اسلامی، به‌ویژه بر تحصیل‌کرده‌ها و روشنفکران تأثیر نهاده است. (خرم‌شاهی، ۱۳۶۴: ۱۳)

از نظر تاریخی، سلسله شکست‌های پی‌درپی نظامی عثمانی‌ها از غرب، در اوایل قرن ۱۲ هجری، وجدان ترک عثمانی را تکان داد و به جستجوی ریشه‌های ناتوانی خود واداشت. (حائری، ۱۳۶۴: ۱۷) در مصر نیز حمله ناپلئون به آن کشور، در اوایل قرن ۱۳ (سال ۱۲۱۳ ق / ۱۷۹۸ م)، آغاز این مرحله جدید تلقی می‌شود و در ایران، ناتوانی ارتش قاجار در برابر قوای خارجی، عباس میرزا، ولیعهد و نایب‌السلطنه فتحعلی شاه را به اجرای نوسازی واداشت. (عنایت، ۱۳۶۳: ۲۲) فشار وهابی‌گری، اشاعه چاپ، نفوذ تمدن غرب، تحولات آزادی‌خواهانه حکومت عثمانی و فعالیت‌های مبشران نیز از عوامل این بیداری شمرده می‌شود. (همان: ۱۶)

### ۲. جریان

واژه «جریان» در فارسی، مفید معناهای: ۱. روان شدن [در صورت مصدری]؛ ۲. وقوع یافتن امری؛ ۳. روانی [به صورت اسم مصدری]؛ ۴. در امور بانکی: دست به دست شدن و گردش پول است. (عمید، ۱۳۶۱)

در فرهنگ‌های دو زبانه انگلیسی - فارسی، واژه «جریان» را در برابر واژه‌های: conduct, current, course, circulation [مایعات و غیره]، progress؛ stream [+of] نهاده‌اند. (جعفری، ۱۳۷۹: حییم، ۱۳۷۹)

در اصطلاح، «جریان» به «تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است» تعریف می‌شود. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۹) بنابراین، اندیشه نظام‌مند یک شخصیت علمی که به صورت تشکل اجتماعی ظاهر نشده، «جریان» نامیده نمی‌شود. از این رو، اجتماعی بودن، داشتن اندیشه مشخص و رفتار معین و مرتبط با آن اندیشه، از ویژگی‌های جریان‌های اجتماعی است. جریان‌های اجتماعی، حداقل به چهار دسته فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم‌پذیرند. (همان)

بدیهی است هر کس که درباره دین می‌اندیشد و یا به تفسیر قرآن می‌پردازد، فارغ از گرایش فکری یا باور مذهبی یا وابستگی به گروهی خاص و یا دلبستگی به مشرب‌های اجتماعی یا تخصص علمی نیست که قطعاً در کار او تأثیر می‌گذارد و رنگ و بوی خاصی به اثر او می‌دهد، اما تا زمانی که این تأثیر تنها در آثار شخص مفسر جلوه می‌کند و یا عده بسیار معدودی از وی پیروی می‌کنند، نمی‌توان نام «جریان» را بر آن نهاد. اما هنگامی که این گرایش توسعه پیدا می‌کند و عده قابل توجهی از آن تبعیت می‌کنند و آثار گوناگونی متأثر از آن تولید می‌شود به گونه‌ای که ادبیات جدیدی را مطرح می‌کند، نام «جریان» بر آن نهاد می‌شود.

### ۳. التقاط

«التقاط» واژه‌ای با ریشه عربی، از ماده «ل. ق. ط» و از باب افتعال می‌باشد. معنای لغوی آن برداشتن و گرفتن است. از این ماده در علم فقه، واژه «لقطه» به معنای چیزی که پیدا شده و از زمین برداشته شده باشد، به کار رفته است<sup>۱</sup> (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵ / ۱۰۰) و نیز التقاط به معنای برخوردن به چیزی و برداشتن آن بدون اینکه در جستجویش بوده باشی، آمده است.<sup>۲</sup> (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۴ / ۲۶۴) امروز نیز «التقاط الصورة» به معنای عکس گرفتن به کار می‌رود. گرفتن ایستگاه‌های گوناگون با موج‌های مختلف توسط رادیو را التقاط می‌نامند و از این رو، دستگاه رادیو را در زبان عربی «جهاز التقاط» نیز نامیده‌اند. (عبدالله، ۱۳۷۷: ۴۲)

اصطلاح «التقاط» در حوزه اندیشه به معنای دستچین کردن خودسرانه و مکانیکی عقاید و اندیشه‌های ناهمگون، بدون پایداری روی اصول معین و مشخص به کار می‌رود. (آقابخشی و افشاری‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۷۸)

۱. لَقَطَ يَلْقُطُ لَقْطًا: أَخَذَ مِنَ الْأَرْضِ. وَاللَّقْطَةُ: مَا يُوْجَدُ مَلْقُوطًا مَلْقِي.

۲. وَ الْاَلْتِقَاطُ: أَنْ تَعْتَرِ عَلِي الشَّيْءِ مِنْ غَيْرِ قَصْدٍ وَ طَلَبٍ.

از این رو، دست‌چین کردن و پیوند مکانیکی و غیر اصولی چند مجموعه ایدئولوژیکی و نظریات ناهمگون، یک تفکر التقاطی را تشکیل می‌دهد که به جای تعقل و نقد افکار فلسفی، فرضیه‌ها، نظریات و افکار نامتجانس را گرد می‌آورد تا از مجموع آنها مکتبی فلسفی بسازد. (فارسی، ۱۳۷۴: ۱۰۵) در فلسفه نیز مکتب‌گزینی «التقاط‌گرایی» مکتبی فلسفی است که از مکاتب فلسفی گوناگون و ناسازگار، برخی اندیشه‌های به ظاهر هماهنگ را برمی‌گزیند و تلاش می‌ورزد تا اندیشه‌ای منسجم و یک‌دست را پدید آورد. نمونه آن مکتب فلسفی اسکندرانی و یا مکتب فیلسوفانه مسلمانانی است که تلاش می‌کردند فلسفه یونان را با آئین اسلام، همساز کنند. (صلیبا، ۱۹۸۲: ۱ / ۳۶۵) اصولاً جریان التقاط در برابر جریان ناب‌گرایی در اندیشه مطرح می‌شود. براساس مباحث پیش‌گفته، التقاط را می‌توان چنین تعریف کرد:

التقاط فکری؛ یعنی: برچیدن بخش‌هایی از افکار، اندیشه‌ها و مکاتب متفاوت و ناهمگون و کنار هم نهادن آنها.

از این رو در آمیختن اندیشه اسلام با تفکر سوسیالیسم - مارکسیسم یا با اگزیستانسیالیسم یا لیبرالیسم یا اندیشه‌های کهن در ایران قبل از اسلام یا اندیشه‌های مرتاضانه و صوفی منشانه هندی و یا اصول تفکر افلاطونی و ارسطویی همه را التقاط در اسلام می‌نامیم.

در هر حال، در اخذ و اقتباس یک اندیشه و تلفیق آن با اندیشه‌ای دیگر باید تفاوت‌های اصولی و بنیادی دو اندیشه را مورد توجه قرار داد و تناقض و برخورد احتمالی آنها را پیش‌بینی نمود.

### پیشینه کاربرد اصطلاح التقاط

جریان التقاط به گونه‌ای که اشاره شد سابقه‌ای کهن دارد. علامه دهخدا تصوف را التقاطی می‌داند و بر این باور است که نه می‌توان تصوف را صرفاً عناصر خارجی دانست که تنها رنگ اسلام گرفته و نه به گفته صوفیان می‌توان پذیرفت که تصوف، جز قرآن و حدیث، اصل و منشأ دیگری ندارد؛ تصوف منابع گوناگونی دارد و صوفیه هم از حیث مذاق و سلیقه، التقاطی بوده‌اند، و هر عقیده را که موافق با ذوق و سلیقه خود دیده‌اند، گرفته‌اند. صوفیه عناصر گوناگونی را از منابع مختلفی گرفته و آن را در کوره ذوق خود ذوب کرده و چیزی بدیع و مستقل از آن ساخته‌اند که تنها با تجزیه و تحلیل دقیق می‌توان به وجود آن عناصر پی برد. منابع عمده غیر اسلامی تصوف عبارتند از: دیانت مسیح، فلسفه نوافلاطونی، حکمت اشراقی و افکار و آراء بودایی. (دهخدا، ۱۳۷۷: حرف ص / ۳۸۱ - ۳۸۰)

اصطلاح التقاط در ادبیات علمی، فلسفی و فرهنگی - اجتماعی معاصر، پیشینه‌ای حدود نیم قرن

دارد. اینکه اولین بار چه کسی آن را در معنای مصطلح امروزی به کار برده است معلوم نیست اما آنچه مسلم است، پیش از انقلاب اسلامی، مردم عادی ایران با واژه التقاطی آشنا نبودند. در اوان انقلاب، این واژه بر سر زبان‌ها افتاد. اصطلاح «مکتب التقاطی» و «التقاط فکری» در دهه پنجاه، به‌ویژه پس از تغییر ایدئولوژی در سازمان مجاهدین خلق - که پیش‌تر بخشی از اصول کمونیسم را با برخی از مبانی اگزیستانسیالیسم ترکیب کرده و حاصل آن را با مفاهیم، ارزش‌ها و اصطلاحات خاص فرهنگ اسلامی درآمیخته بودند و آن را مکتب اصیل و ناب اسلام می‌دانستند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۵۲۴ - ۵۰۶) - در ادبیات فکری - سیاسی ایران رواج یافته است.

### ویژگی‌های مکاتب التقاطی

با توجه به تعریف التقاط (برچیدن بخش‌هایی از افکار، اندیشه‌ها و مکاتب متفاوت و ناهمگون و کنار هم نهادن آنها)، می‌توان ویژگی‌های مکتب التقاطی را چنین برشمرد:

۱. فاقد اصالت است.
۲. اجزای آن انسجام منطقی ندارد.
۳. فاقد اصول محوری و ثابت در کل مکتب است.
۴. مفاهیم، اصول و اندیشه‌های مطرح در آن ناهمگون و گاه متعارض است.

### نسبت التقاط با نوآوری

ممکن است ادعا شود که بسیاری از شیوه‌هایی که امروزه جزو شیوه‌های سنتی و مقبول شمرده می‌شود در روزگار خود نوآوری التقاط‌گونه بوده است؛ زیرا اصولاً هر شیوه سنتی در آغاز، نو و بی‌سابقه بوده و به مرور زمان به شیوه‌ای جاافتاده تبدیل شده است؛ مثلاً تفسیر تبیان شیخ طوسی در زمان خود شیوه‌ای نوظهور بود؛ زیرا پیش از آن، شیوه نقلی و روایی تنها روش مرسوم و مقبول در تفسیر بود، اما شیخ طوسی از عقل و دانش‌های دیگر در تفسیر خود بهره برده و ضمن استناد به منابع دیگر، با اعمال رأی به استدلال و استنباط پرداخته است؛ بنابراین، تفسیر تبیان در زمان خود، تفسیری التقاطی است، اما هم‌اکنون این روش جزو شیوه‌های سنتی تفسیر شمرده می‌شود. بعید نیست برخی از نوآوری‌های امروز که التقاطی نامیده می‌شوند در آینده‌ای نه چندان دور به روشی مقبول و معمول تبدیل شده و جزو روش‌های سنتی دسته‌بندی شوند.

در پاسخ باید گفت این شبهه از آنجا به ذهن خطور می‌کند که از «التقاط» تعریف روشنی در دست

نباشد و هرگونه نوآوری التقاط نامیده شود، اما باید توجه کرد که التقاط نه مترادف با نوآوری است و نه از نظر مصداقی با آن تساوی منطقی دارد بلکه بار معنایی خاص به خود را دارد که هر جا محقق شود التقاط است و مذموم، اگرچه قرن‌ها بر آن بگذرد. کاری که شیخ طوسی انجام داده از اول التقاط نبوده بلکه «نوآوری روشمند» است که با «التقاط» تفاوت ماهوی دارد. بنابراین به خوبی روشن می‌شود که این ادعا که: «گریزی از التقاط نیست و برخلاف تصور رایج که التقاط را پدیده‌ای منفی و شیوه‌ای نامطلوب در تفکر، تلقی می‌کنند، التقاط یک ضرورت در مسیر نوآوری است!»، ادعایی نسنجیده و بی‌پایه است.

### رخنه‌گاه‌های التقاط در تفسیر

التقاط از مجاری و منقذهای متفاوتی به سراغ اندیشمند اسلامی می‌آید و کار او را آلوده می‌کند:

#### ۱. پیش‌داوری‌ها

در بیشتر لغزش‌های فکری، اندیشه‌ای از پیش رسوخ کرده در ذهن متفکر، نتایج پژوهش او را به رنگ و بوی خود درمی‌آورد و به آن جهت می‌دهد. محمد بهی در کتاب *المنهج القرآنی فی تطویر المجتمع*، می‌خواهد شیوه قرآن را در ساختن جامعه آرمانی به جای جامعه مادی توضیح دهد. نامبرده تحقیق خویش را بر این باور بنیاد نهاده است که آیات مدنی در پی تشکیل جامعه اسلامی‌اند؛ به این صورت که این آیات، نخست روش جاهلی را مورد انتقاد قرار می‌دهد تا زمینه نزول «نهی» که آمادگی روحی بیشتری را می‌طلبد، فراهم آید. بدین ترتیب، نزول آیات قرآن تدریجی بوده و وحی جدید، همیشه بیانگر مرحله جدید و متکامل‌تر عمل براساس ایمان و وحی سابق به حساب می‌آمد. محمد بهی با چنین پیش فرضی به کار تفسیر و دسته‌بندی آیات می‌پردازد تا روش قرآن را در امر ساختن جامعه به تصویر کشد. او در این جهت آیاتی را آورده است که ترتیب آنها (آن‌گونه که او تصویر کرده است) دلیل علمی و مستند تاریخی، روایی و سبب نزولی ندارد، مانند آنچه در زمینه ربا و حکم تدریجی آن یاد کرده است. (بهی، بی‌تا: ۱ / ۱۱)

#### ۲. علم‌زدگی

علم‌گرایی و تفسیر علمی رویکردی است که در سده اخیر به شدت مورد توجه مفسران قرار گرفته و با اینکه شیوه اعتدالی آن آثار مبارکی به‌ویژه در اثبات اعجاز علمی قرآن به همراه داشته است اما دلبستگی افراطی به دانش جدید و به کار بردن بی‌رویه آن در تبیین آموزه‌های دینی و تفسیر آیات، منجر به

علم‌زدگی شده که یکی از عوامل لغزش و نادیده گرفتن اصول تفکر دینی در دوره معاصر است.

خزائلی، در پرتو این دست‌یافت علمی که مبدأ آفرینش انسان به سلول برمی‌گردد که در نطفه وجود دارد و همین سلول در پی نشو و نما، به دو سلول تقسیم می‌گردد، در تفسیر آیه: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف / ۱۸۹) می‌نویسد: «او خدایی است که همه شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد. به نظر می‌رسد که مراد از [نفس واحد] سلول؛ یعنی ذره‌ای باشد که در نطفه موجود است و پس از نشو و نما به دو سلول تقسیم می‌شود.» (خزائلی، بی تا: ۱۷) عبدالرزاق نوفل پیش‌تر در تفسیر آیه فوق و آیات مشابه آن (نساء / ۱؛ انعام / ۹۸) می‌نویسد: «الکترون، جوهر و واحد آفریده‌ها را تشکیل می‌دهد و تعادل و آرامش آن با زوج آن؛ یعنی پروتون است؛ زیرا بار مثبت پروتون و بار منفی الکترون، باعث تعادل و توازن اتم می‌شود.» (نوفل، ۱۴۰۴: ۱۵۷ - ۱۵۵) این در حالی است که مطالعه تمام آیه به‌روشنی نشان می‌دهد که این تفسیرهای به‌ظاهر علمی نمی‌تواند منظور خداوند باشد؛ زیرا در ادامه آیه، سخن از نیایش و درخواست‌ها و عکس‌العمل‌های این زوج است و این معانی در سلول یا الکترون مطرح نیست: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَتَقَلَّتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهَا لِنَ أَنْ تَبْتِنَا صَالِحًا لِنَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (اعراف / ۱۹۰ - ۱۸۹) او کسی است که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را قرار داد، تا بدان آرام گیرد؛ و هنگامی که او را تحت پوشش قرار داد، با حملی سبک باردار شد و با آن [بار سبک، مدتی] گذراند و هنگامی که سنگین شد، (هر دو) از خدایی که پروردگارشان است، خواستند: «اگر [فرزند] شایسته‌ای به ما دهی، قطعاً از سپاس‌گزاران خواهیم بود.» و [الی] هنگامی که [خدا، فرزند] شایسته‌ای به آن دو داد، برای او، در آنچه به آن دو داده بود، شریکانی قرار دادند؛ و خدا از آنچه شریک [او] قرار می‌دهند، برتر است.»

نمونه دیگر این نوع علم‌گرایی را می‌توان در دیدگاه یدالله سبحانی در مسئله آفرینش انسان از نگاه قرآن شاهد بود. وی ریشه این باور را که آدم عليه السلام پدر انسان‌هاست و مستقیماً از خاک آفریده شده است، در تورات یافته و منشأ تقلید مفسران را از تورات، بی‌اطلاعی از دانش جدید می‌داند و خود، بر حق بودن نظریه داروین دل‌بسته و به قرآنی‌بودن این نظریه، پافشاری دارد. (سحابی، ۱۳۴۶: ۱۰۵ - ۱۰۱)

### ۳. عقل‌مداری

توجه به عقل در تفسیر معاصر از جایگاه ممتازی برخوردار است. پیش‌تاز خردگرایی در میان مفسران



معاصر اهل سنت، محمد عبده شمرده می‌شود که به عقیده فهد الرومی، دیگر مفسران خردگرا، او را امام خویش شناخته‌اند. (رومی، ۱۴۰۷: ۲۸۷) عقل‌گرایی در تفسیر، مانند علم‌گرایی، نتوانست حدّ اعتدال را رعایت کند و در مواردی به زیاده‌روی و عقل‌مداری منتهی شده است. فهد الرومی مدعی است، عبده در تئوری و عمل، نص قرآن را به تبعیت از عقل ملزم دانسته و بر این باور است که در صورت ناسازگاری، عقل بر ظاهر نص، تقدم دارد. (همان)

البته اتهام عقل‌مداری به محمد عبده به گونه‌ای که فهد الرومی مدعی است قابل نقد است؛ زیرا وی با نگاه نقل‌گرایانه متأثر از سلفی‌گری، بهره‌گیری از عقل را به عنوان یکی از منابع تفسیر که می‌تواند در فهم ظاهر آیات به کار آید، بر نمی‌تابد و عبده را به مقدم کردن عقل بر نص متهم می‌کند با اینکه به نظر می‌رسد عبده چنین ادعایی ندارد بلکه بحث عبده در مورد تعارض عقل با ظاهر است نه با نص.

رشید رضا نیز می‌نویسد: «مصلحت عمومی در صورت ناسازگاری با نص و اجماع، بر آن دو پیشی دارد.» (رشید رضا، بی‌تا: ۵ / ۲۱۲) عبده عملکرد نادرست مسلمانان در امر تعدد زوجات را موجب قبح عقلی آن دانسته و با در نظر گرفتن مشکلات عملی بسیاری که در جامعه آن روز مصر به همراه داشته است اقدام به منع آن می‌کند. او در بیان حکم ربا نیز گرفتن ربا را به منظور جلوگیری از انتقال مال مسلمانان به کفار مجاز می‌شمارد. (همو، ۲۰۰۳: ۱ / ۹۴۴)

در نمونه‌ای دیگر، حنفی احمد در بررسی موضوعی آیات علمی قرآن تنها بدین دلیل که پرتاب سنگ توسط پرندگان، سرعتی را که باعث درهم کوبیده شدن ارتش ابرهه گردد ندارد، می‌گوید مقصود از «طیراً ابابیل» سنگ‌هایی بوده که پرنده‌وار در آسمان حرکت می‌کرده است. (احمد، بی‌تا: ۲۰۲)

#### ۴. نفوذ اندیشه‌های بیگانه

در قرن چهاردهم هجری، در اثر هجوم سنگین تفکر غرب هم‌زمان با تضعیف شدید باورهای دینی در میان مسلمانان، شاهد نفوذ باورهای بیگانه در اندیشه اسلامی و از جمله در آرای تفسیری برخی مفسران هستیم. باور لیبرالیستی و تفکر سوسیالیستی و کمونیستی و رویکرد هرمنوتیکی متأثر از فلسفه جدید غرب از جمله اندیشه‌های نفوذی بیگانه در قلمرو فرهنگ و اندیشه اسلامی است:

##### یک. گرایش لیبرالیستی

نویسنده کتاب بازگشت به قرآن در مباحثی تحت عنوان آزادی از دیدگاه قرآن، برای اثبات باور خود، به بخشی از آیات قرآن تمسک جسته، مقصودش را به صورت روشن بیان می‌دارد:

وقتی خدا طبق آیات و تذکرات مکرر قرآن به پیغمبرش اجازه تحمیل عقیده و

مؤمن سازی اجباری را نمی‌داده و می‌گفته است تو فقط «بشیر» و «نذیر» یا هادی و تذکردهنده بوده و وظیفه پیغمبران ابلاغ روشن است: «وَمَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»، (نور / ۵۴) به طریق اولی مقامات دینی و دنیایی، مأموران اجرا نبوده و حق الزام فکری و عملی دین و تحمیل و تفتیش عقائد را ندارند. (بازرگان، ۱۳۶۴: ۹۰)

نویسنده محترم توجه نکرده است که آیات مورد استشهاد او مربوط به صدر اسلام است و نمی‌توان آنها را در همه شرایط و برای همه مکان‌ها و زمان‌ها تعمیم داد. افزون بر این، چرا آیاتی چون: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ أخرجوهم من حيث أخرجوكم و أفتنه أشد من القتل و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتى يقتلوه فيهِ فإن قاتلوكم فأقتلوهم كذلك جزاء الكافرين؛» (بقره / ۱۹۱) و هر کجا آنان را یافتید، بکشیدشان؛ و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید. و [بدی] آشوبگری [شرک]، از کشتار [هم] شدیدتر است. و در کنار مسجد الحرام با آنان پیکار مکنید، مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند. و اگر با شما پیکار کردند، پس آنها را بکشید. سزای کافران چنین است.» و نیز: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛» (بقره / ۱۹۳) و با آنها پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند و دین فقط برای خدا باشد و اگر خودداری کردند، پس هیچ تجاوزی جز بر ستمکاران [روا] نیست» و همچنین آیات حدود و قصاص و نظایر آن را نادیده گرفته است؟! آیا نویسنده محترم و هم فکران وی معتقدند که دیات و قصاص و حدود و امثال آن، ساخته و پرداخته مقامات دینی است و دین اصولاً اجرائیات ندارد و به فرد آزادی عمل می‌دهد تا در مسیر گناه تا هر جا می‌خواهد پیش رود؟! روشن است که این‌گونه اندیشه‌ها از لیبرالیسم که قوانین ساخته عقل و خرد را همراه با نفی حاکمیت شرع می‌پذیرد، تأثیر گرفته است. شهید بهشتی در نقد این اندیشه می‌گوید:

حدود الهی بر ما تحمیل نیست، برای اینکه از دیدگاه اسلام، انسان دین را آزادانه و آگاهانه انتخاب می‌کند. وقتی انسان دین را انتخاب می‌کند به یک یک آورده‌های اسلام با تمام وجود عشق می‌ورزد و ... اسلام مخالف آزادی است که انسان را به تباهی می‌کشاند و با اجرای قاطع حدود از تباهی‌ها پیش‌گیری به عمل می‌آورد. (بهشتی، بی‌تا: ۱۰۶ - ۸۵)

#### دو. رویکرد ماتریالیستی

در سده‌های اخیر، غرب برای جهان دو ارمغان فکری ارائه کرده است: تفکر لیبرالیستی و اندیشه ماتریالیستی. نویسنده کتاب برداشت‌هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن از کسانی است که

تلاش دارد تا «کمون اولیه» را در محتوای آیات قرآن جستجو کند. وی در ذیل آیه: «إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ؛ (طه / ۱۱۹ - ۱۱۸) در واقع، برای تو [این مزیت هست] که در آنجا گرسنه نمی‌شوی و برهنه نمی‌گردی؛ و اینکه تو در آنجا تشنه نمی‌گردی و آفتاب زده نمی‌شوی.» می‌نویسد:

در بهشت نخستین چنان که گذشت و از آیات قرآن برمی‌آید، نه محدودیتی بود و نه تملک خصوصی و نه سلطه شخصی و نه استثمار انسان از انسان. فرزندان آدم در این بهشت در کمال آزادی، به هر جا که می‌خواستند می‌رفتند و از هر چه می‌خواستند می‌خوردند و انسان توانسته بود ... برادروار به اشتراک زندگی کند. (پایدار، ۱۳۵۶: ۹۱ - ۷۹)

سپس با استفاده از آیات ۳۶ سوره بقره و ۱۱۷ تا ۱۲۱ سوره طه که مسئله لغزش آدم علیه السلام در اثر وسوسه شیطان و هبوط حضرت آدم علیه السلام و حوا علیها السلام را از بهشت مطرح می‌کند، می‌نویسد:

طبقه قبلی که در آن برادری و برابری حاکم بود، با نزدیک شدن آدم علیه السلام به درخت ممنوعه که هدف از آن کسب ملک و ثروت و قدرتی بود که کهنه نشود و کاهش نیابد، تغییر کرد و به جای آزادی و برادری و اشتراک و فراوانی و آسودگی، ظلم و محرومیت و گرسنگی و تشنگی و برهنگی و سرانجام، عداوت و جنگ و ستیز بین فرزندان آدم علیه السلام پدید آمد. در شرایط جدید، وسوسه شیطان ممکن شد و انسان‌ها اصول و مناسبات اولیه بین انسان و طبیعت را زیر پا نهادند و در نتیجه طبقه ثروتمند و محروم به وجود آمد. این دو گروه که قبلاً برادر بودند و در صلح به سر می‌بردند، به جنگ و دشمنی با یکدیگر واداشته شدند. حرکت بعدی جامعه انسانی از این به بعد، تحت تأثیر این تضادها ادامه یافت. وجود این خصومت‌ها و تضادها، موجبات بعثت پیغمبران را فراهم آورد. (همان: ۸۲ - ۸۱ و ۱۴۷)

مارکسیست‌ها براساس ماتریالیسم تاریخی پنج دوره تکامل برای تاریخ بشر قایلند: دوره اشتراک اولیه (کمون اولیه)، دوره برده‌داری، دوره زمین‌داری (فتودالیسم)، دوره سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) و دوره سوسیالیسم (کمونیزم)، که این دو دوره اخیر هر یک دارای دو دوره هستند. این مراحل تکاملی تاریخ در نتیجه تضاد درونی و تکامل ابزار و شیوه تولید به پیش می‌رود. آنها به دوران کمون اولیه به‌عنوان اولین دوره تاریخ بشر معتقدند و بر این باورند که در این دوره تولید به شکل دسته‌جمعی و اشتراکی بوده و کار اشتراکی سبب مالکیت اشتراکی محصول و وسایل تولید شده است. (مطهری، ۱۳۷۵: ۶۰۷ - ۵۳۵)

گسترش و سایه‌افکنی اندیشه‌های کمونیستی بر فضای روشنفکری و محافل استثمارستیز که سرمایه‌داری را مشکل اصلی جوامع می‌پنداشتند و در فراسوی نگاهشان، مکتب اقتدار یافته‌ای را جز مکتب مارکسیسم نمی‌دیدند، سبب می‌شد که ستیزه‌گران با حاکمیت کاپیتالیسم با گرایش به توجیه عقاید مارکسیستی، جامعه را بدان باورها سوق دهند. البته این اقدام لزوماً به معنای عدم باور به اسلام و خدا و قیامت نبود، بلکه بیشتر جنبه التقاط و تأثیرپذیری داشت.

تأثیر اندیشه‌های اقتصادی سوسیالیستی به روشن‌فکران محدود نمی‌شد، بلکه در میان عالمان حوزوی نیز بوده است. شیخ علی تهرانی تحت تأثیر اندیشه‌های اقتصادی سوسیالیستی، و به احتمالی - بنا به گفته محتشمی - با تأثیرپذیری از کتاب اقتصاد مجاهدین خلق، آثاری در اقتصاد اسلامی نوشت. (محتشمی، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۹۷ - ۲۹۶)

آنچه مسلم است اینکه جاذبه‌های مارکسیسم و سوسیالیسم به دلیل ادعای علمی و انقلابی‌گری، برای بسیاری از اندیشمندان مسلمان نوگرا از چند دهه پیش از انقلاب اسلامی، مشکل‌ساز شده و آنان را به دام خود کشیده است. روشن‌فکران مذهبی دهه ۲۰ شمسی و پس از آن، حلقه واسط برای انتقال این مفاهیم به حوزه دین و تفسیر بوده‌اند؛ کما اینکه به موازات آن، گروه دیگری از روشنفکران، واسطه انتقال مفاهیم لیبرالیستی به مطالعات دینی و تفسیر بوده‌اند.

#### سه. رویکرد هرمنوتیکی متأثر از فلسفه جدید غرب

روشنفکرانی همچون: حسن حنفی، محمد خلف‌الله، نصر حامد ابوزید، فضل‌الرحمن پاکستانی، محمد آرگون و عبدالکریم سروش، با تأثیرپذیری از مباحث فلسفی غرب، به متون دینی، بیرون از حوزه انسانی و جدای از تاریخ و فرهنگ انسانی نمی‌نگرند. آنها تلاش می‌کنند به‌گونه‌ای به نقش «انسان» در آن تأکید کنند. در این منظر، خلاقیت کردگاری، بیرون از انسان و تاریخ و فرهنگ او نیست، بلکه از ذهن و جان خود او و از متن فرهنگ ظهور می‌کند. متون دینی حاصل کوشش انسانی بوده است، الوهیت از خویشتن خویش انبیا (که انسان‌هایی بودند مثل دیگران و در میان آنان) موج می‌زده، در تجربه‌های لطیف و معنوی آنها جلوه می‌کرده و از این طریق، متون دینی (مثل صحف ابراهیم، زبور داوود، تورات، گات‌ها، انجیل و قرآن) به ثمر می‌رسیده است. متون دینی چیزی از نوع دیگر نبودند ... و بیرون از جریان زمان انسانی و تاریخ بشری و امری مقدس و فرا تاریخی نبوده‌اند. (حنفی، ۱۹۸۸: ۴ / ۱۹۱ - ۱۸۷)

عبدالکریم سروش می‌نویسد:

پیامبر [ﷺ] محل و موجد و قابل و فاعل تجارب دینی و وحی بود ... داد و ستد پیامبر [ﷺ] با بیرون از خود قطعاً در بسط رسالت او و در بسط تجربه

پیامبرانه او تأثیر داشت ... پیامبر [ﷺ] انسان است و هم اطرافیان او آدمیان‌اند. از مواجهه این عناصر انسانی به تدریج آئینی انسانی زاده می‌شود ... کامل‌تر شدن دین، لازمه‌اش کامل‌تر شدن شخص پیامبر [ﷺ] است که دین خلاصه و عصاره تجربه‌های فردی (درونی) و جمعی (بیرونی) اوست. این کامل‌تر شدن ناظر به اکمال حداقلی است، نه حداکثری. اما حداکثر ممکن در تکامل تدریجی و بسط تاریخی بعدی اسلام پدید خواهد آمد. اینک در غیبت پیامبر [ﷺ] هم باید تجربه‌های درونی و بیرونی پیامبر [ﷺ] بسط یابند و بر غنا و فرهیگی دین بیفزایند ... اسلام در طول تاریخ با این افزوده‌ها پخته‌تر، پرورده‌تر و فرهیخته‌تر شده است. (سروش، ۱۳۷۶: ۱۳، ۱۶، ۲۱، ۲۴ و ۲۷)

روشن است که این نگاه با صریح آیات و با نصوص روایی که به وضوح وحی قرآن را مقوله‌ای کاملاً الهی و به وساطت امین وحی می‌داند ناسازگار است.

### گونه‌های التقاط در تفسیر

با بررسی شیوه ظهور و بروز التقاط در تفسیر می‌توان آن را به سه گونه: التقاط مبنایی، التقاط محتوایی و التقاط روشی تقسیم کرد.

#### ۱. التقاط مبنایی

به این معنا که مفسر در مبانی تصویری یا تصدیقی و یا هر دو، مبانی بشری ناسازگار را در کنار مبانی اصیل می‌نهد (می‌توان آن را «التقاط مبنایی تکمیلی» نامید) و یا آنها را جایگزین برخی از مبانی الهی می‌کند (می‌توان آن را «التقاط مبنایی تبدیلی» نامید) سخنی که از سروش نقل شد مصداق روشن این گونه التقاط است؛ زیرا یکی از مبانی تفسیر، این است که: قرآن سخن خدا و متن و محتوای آن الهی است.

#### ۲. التقاط محتوایی

به این معنا که مفسر در مقام تبیین معانی واژه‌های قرآنی یا شرح و تفسیر آیات، معارف غیرقرآنی ناسازگار را می‌گنجانند. این عمل به دو صورت اتفاق می‌افتد:

اول: به این صورت که صاحب فکر التقاطی، مکتب اسلام را اصل قرار می‌دهد و بخش عمده‌ای از آن را عیناً می‌پذیرد ولی در موارد و مسائلی که به خطا، گمان می‌کند مکتب اسلام

درباره آن سخنی ندارد و یا نگاه روشنی عرضه نکرده است، بی‌آنکه تلاشی درخور، برای یافتن پاسخ اصیل اسلام انجام دهد و یا قدمی در راه زدودن جهل خود بردارد، راه ساده‌تر را برمی‌گزیند و از مکاتب دیگر، متأثر از علایق و دلبستگی‌های پیشین خود، بهره می‌گیرد. او بدون اینکه بخواهد این بخش از نظام فکری خود را بر بخش‌های دیگر تحمیل کند و یا آن را لزوماً مراد و منظور قرآن معرفی کند، عملاً در دام التقاط می‌افتد؛ این التقاط را «التقاط محتوایی ترکیبی» می‌نامیم. جریان التقاط علمی در ایران به‌ویژه سران آن؛ مهدی بازرگان و یدالله سجایی، بیشتر دچار این گونه التقاط شده‌اند.

دوم: تفسیر قرآن براساس مکتب التقاطی؛ به این صورت که مفسر، صاحب فکر و اندیشه التقاطی است و برای تطبیق قرآن با اندیشه خود تلاش می‌کند. از این رو با پیش فرضی که از مکتب دیگری گرفته است به سراغ منابع دینی می‌رود و تلاش می‌کند آموزه‌های قابل توجیه از قرآن را براساس آن مکتب توجیه و بخش متعارض با آن را تأویل و با هر زحمتی شده از ظاهر خود خارج کند. این گونه را «التقاط محتوایی تحمیلی» می‌نامیم. جریان التقاط انقلابی مارکسیستی دچار این گونه التقاط بوده‌اند.

### ۳. التقاط روشی

به این معنا که مفسر در تفسیر آیات و سوره‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری بدون انسجام و هماهنگی لازم در میان آنها در تفسیر آیات و سوره، بهره می‌گیرد و یا از روش‌های معمول در دیگر دانش‌های بشری که با منطق تفسیر سازگاری ندارد استفاده می‌کند.

امین خولی استاد دانشگاه الازهر قرآن را بزرگ‌ترین کتاب عربی، برترین اثر ادب و عامل جاودانگی زبان و ادبیات عرب مطرح کرد. او معتقد است پژوهش ادبی قرآن باید هدف اصلی و نهایی برای ما و همه ملت‌های عرب به حساب آید. بررسی ادبی قرآن بدون اعتبار دینی آن است. با اخراج امین خولی از دانشگاه الازهر، شاگردان او راهش را ادامه دادند، از جمله عایشه بنت الشاطی کتاب *التفسیر البیانی للقرآن* را در همین راستا تدوین کرد. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۲۶۷ - ۲۶۱)

### جریان‌های اصلی التقاط در تفسیر و مطالعات قرآنی

گروه‌بندی جریان‌های فکری کار آسانی نیست اما می‌توان با توجه به تشابه و تمایز نسبی و براساس استقرا به دسته‌بندی آنها پرداخت. جریان‌های التقاطی نیز از این قاعده مستثنا نیستند:

## ۱. وجوه مشترک جریان‌های التقاطی

مشترکات نسبی جریان‌های التقاطی در تفسیر و مطالعات قرآنی را در دو محور می‌توان دسته‌بندی کرد:

### یک. ویژگی‌های عام تفسیر التقاطی

با بررسی تفاسیر التقاطی که نمونه‌هایی از آن گذشت و تأمل در شیوه به کار گرفته شده توسط جریان التقاط می‌توان ویژگی‌های زیر را در آنها یافت:

۱. بی‌اطلاعی یا بی‌اعتنایی به معیارهای پذیرفته شده مفسران، بی‌توجهی به مبانی مسلم تفسیر و یا نفی برخی از آنها و عدم التزام به قواعد مرسوم تفسیر و در نتیجه فقدان روش ثابت در فرایند تفسیر.
۲. تحمیل باورهای پیش‌ساخته مقدم بر تفسیر و تطبیق بی‌منطق آیات بر تئوری‌های بشری.
۳. جعل مفاهیم نامتعارف برای واژه‌های واضح قرآن و تحمیل معانی نامأنوس بر آیات. مثلاً گروه فرقان در آیاتی که مربوط به حضرت ابراهیم علیه السلام است، در ترجمه آیه شریفه «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»؛ می‌نویسد: «پروردگارا من و افرادی از ذریه‌ام (نسل انقلابی باقی مانده‌ام) را بر پا دارنده ارتباط و پیوستگی (نماز) قرار ده، پروردگارا درخواستمان را بپذیر.»
۴. عدم جامعیت در نگاه به قرآن و برداشت تک‌بعدی از آن و چشم‌پوشی و یا طفره رفتن از تفسیر آیاتی که با فکر مفسر التقاطی ناسازگار است.
۵. برخورد گزینشی با آیات و پافشاری بر ظاهر برخی از آیات و اصرار بر توجیه یا تأویل دیگر آیات و حمل غیرمنضبط آیات بر بیان تمثیلی و تأویلی.
۶. خلط اصطلاحات مکاتب مختلف و یکسان‌انگاری واژه‌ها به مجرد اشتراک لفظی.

### دو. مبانی و پیش‌فرض‌های التقاط در تفسیر

با اینکه جریان التقاط از تصریح به مبانی و پیش‌فرض‌های خود در تفسیر طفره می‌رود و در مواردی حتی به صراحت آنها را انکار می‌کند مثلاً بازرگان پس از انقلاب اسلامی که در زمینه علم‌گرایی اتهاماتی متوجه او گشته بود، تأکید کرد که به هیچ روی بر آن نیست تا علم را مقدم بر وحی بدانند. وی این اتهام را که کسانی بگویند این افراد بر این باورند که «آن چیزی را از اسلام یا دین قبول می‌کنیم که با عقل و علم و استدلال‌مان درست در بیاید» رد کرده، می‌افزاید: «چنین طرز تفکر در حقیقت انکار نبوت و وحی و ادعای بی‌نیازی انسان از دیانت و مساوی دانستن خودمان با خدا است.» (بازرگان، ۱۳۶۴: ۴ / ۳۴) اما با تأمل در عملکردشان در فرایند تفسیر، می‌توان به مبانی جریان التقاط پی برد.

پیش فرض‌های التقاط در تفسیر قرآن را می‌توان چنین برشمرد:

۱. عدم جامعیت قرآن و نیازمندی ذاتی قرآن به منابع دیگر؛ نجات حسینی از اعضای سازمان مجاهدین اقرار می‌کند: «در آموزش ناهمگن سازمان، هر کجا که مذهب از پاسخ منطقی به سؤالی عاجز بود، با توسل به ماتریالیسم علمی جواب داده می‌شد.» (نجات حسینی، همان: ۴۱۹ - ۴۱۵) و نیز محمدطاهر رحیمی می‌گوید: درست است که سازمان ما (مجاهدین خلق) یک سازمان و گروه مذهبی بود و از قرآن و نهج‌البلاغه هم استفاده می‌کرد و ما به آنها معتقد بودیم؛ اما اساس و بنیاد کار ما بر مارکسیسم بوده است. چون علم مبارزه از مارکسیسم گرفته می‌شود و در قرآن آیه‌ای نداریم که به ما درس مبارزه بدهد. (سجادی، ۱۳۸۳: ۶۹)

۲. عدم لزوم پابندی به ظواهر قرآن و قرائت‌پذیری متن قرآن و اعتبار قرائت‌های گوناگون؛ جلال‌الدین آشتیانی (فرزند میرزا مهدی آشتیانی) از تئوریسین‌های نهضت خدایپرستان مسلمان، می‌نویسد:

انسان در راه کمال به سوی حق در حرکت است، برداشت او نیز از قرآن - کتاب حق - در حال تکامل است و به همین دلیل است که دیده می‌شود با تکامل علم و دانش و فهم و وسعت دید بشر، درک از قرآن نیز تکامل یافته و متغیر می‌گردد تا جایی که در برداشت از اصول نیز دید و بینش نوینی می‌یابد؛ حتی مفهوم توحید که اصل اساسی ادیان حقه است، پیوسته یکسان نبوده و بسته به درک افراد متفاوت است. (آشتیانی، ۱۳۵۸: ۱۳)

۳. متأثر بودن قرآن از فرهنگ و باورهای زمان نزول و محدود بودن همه یا برخی از احکام و

آموزه‌های قرآن به زمان نزول و عصر پیامبر ﷺ؛ عبدالکریم سروش می‌نویسد:

راهبی را تصور کنید که تنها در غاری می‌نشیند و پیام‌هایی دریافت می‌کند و این راهب را با پیامبری مقایسه کنید که در میان مردم است و با آنها داد و ستد می‌کند و هر روز در معرض ده‌ها مسئله قرار می‌گیرد و باید با این مسائل مواجهه کند و پاسخ آنها را در اختیار امت و پیروان خود بگذارد، میان این دو تفاوت بسیار زیادی است؛ ... پیامبر اولاً در سنین پختگی؛ یعنی در چهل سالگی تجربه پیامبرانه پیدا کرد. تا قبل از آن فرد امین و پرهیزگاری بود که با خلوت انس داشت، هفته‌هایی از سال را بیرون از شهر در غاری به سر می‌برد. به علاوه تجارت هم می‌کرد و با زیر و بم زندگی جمعی و با مهم‌ترین و وسوسه‌انگیزترین عنصر آن؛ یعنی پول آشنا بود. اما هنوز پیامبر نبود و پس از سال‌ها همسرداری پا به



عرصه تجربه و عمل پیامبری نهاد، کاملاً آماده و پخته وارد میدان شد. ثانیاً: به خلوت اکتفا نکرد و در گوشه‌ای انزوا نگزید بلکه به میان مردم آمد و مواجهه با مسائل روزگار خود را فریضه دانست، دشمنی‌ها و دوستی‌های فراوان بر او باریدند و تجربه بیرونی او را شکوفاتر و پخته‌تر کردند؛ یعنی به بسط و فربهی آئین او مدد رساندند. به عبارت دیگر، داد و ستد پیامبر با بیرون از خود قطعاً در بسط رسالت او و در بسط تجربه پیامبرانه او تاثیر داشت ... وقتی می‌گوییم دین امری بشری است منظور این است که پیامبر به میان آدمیان می‌آید پایه‌پای آنها حرکت می‌کند گاهی به این سو و گاهی به آن سو می‌رود ... و دین مجموعه‌ای از برخوردهای تجربی و تاریخی پیامبر است. (سروش، همان: ۱۹ - ۱۵)

## ۲. وجوه تمایز جریان‌های التقاطی در تفسیر و مطالعات قرآنی

تفاوت و تمایز جریان‌های التقاطی در تفسیر و مطالعات قرآنی را می‌توان از چهار منظر بررسی کرد: گونه‌های بروز و ظهور التقاط در تفسیر، رخنه‌گاه‌های التقاط، وابستگی به جریان‌های فکری و خروج از منطق صحیح تفسیر.

### یک. گونه‌های بروز و ظهور التقاط در تفسیر

همان‌گونه که بیان شد التقاط را با توجه به شیوه ظهور و بروز در تفسیر می‌توان به سه گونه: مبنایی، محتوایی و روشی تقسیم کرد.

### دو. رخنه‌گاه‌های التقاط در تفسیر

پیش‌تر بیان شد که التقاط از مجاری و منفذهای متفاوتی به سراغ مفسر می‌آید و کار او را آلوده می‌کند که عمده‌ترین روزه‌های نفوذ التقاط عبارتند از:

۱. پیش‌داوری؛
۲. علم‌زدگی؛
۳. عقل‌مداری و مصلحت‌گرایی؛
۴. نفوذ اندیشه‌های بیگانه چون: گرایش لیبرالیستی، رویکرد ماتریالیستی و رویکرد هرمنوتیکی متأثر از فلسفه جدید غرب.

### سه. وابستگی به جریان فکری خاص

تعدادی از جریان‌های فکری معاصر ماهیت التقاطی دارند؛ مانند شاخه‌هایی از روشنفکری دینی و

غیردینی ایران اعم از:

- روشنفکران التقاطی ناسیونالیست؛ مانند کسروی که سرانجام کارش به ارتداد انجامید؛  
 - روشنفکران التقاطی دارای گرایش‌های سوسیال - دموکراتیک؛ مانند عبدالرحیم طالبوف  
 تبریزی که در عین برخی پایبندی‌ها که به بعضی الفاظ و تعابیر و ظواهر شریعت از خود نشان  
 می‌داد، مروج روح و باطن سکولاریستی و نیز مقلد برخی شعارهای سوسیال - دموکراتیک بود؛  
 - روشنفکری التقاطی مقلد لیبرالیسم و علم‌زده که رگه‌های صداقت و مبارزه علیه استبداد شبه  
 مدرن، در سران آن وجود داشت؛ مانند نهضت آزادی سال‌های دهه چهل شمسی و آراء و عملکرد  
 یدالله سحابی و مهدی بازرگان در همان سال‌ها؛  
 - روشنفکری التقاطی مقلد سوسیالیسم که شامل جریان نهضت خدایپرستان سوسیالیست، برخی  
 آرای علی شریعتی، اندیشه‌های مبنایی مجاهدین خلق در سال‌های آخر دهه چهل شمسی، آراء گروه  
 فرقان و ... می‌شود؛

- گرایش روشنفکری التقاطی نئولیبرالیست شکل گرفته در سال‌های پس از پیروزی انقلاب  
 اسلامی که آشکارا داعیه نسبی‌انگاری، سکولاریسم و پلورالیسم دینی و نظایر اینها را دارد؛ مانند آراء  
 عبدالکریم سروش و مجتهد شبستری. (زرشناس، ۱۳۸۳: ۱ / ۱۳۱ - ۱۲۷)

#### چهار. خروج از منطق صحیح تفسیر

منطق تفسیر چارچوب روشی مستدل برای شناخت معنای آیات قرآن و رسیدن به مراد خداوند است.  
 (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۱ - ۱۰) مبناداری، قاعده‌مندی، روش‌مندی  
 و معیارپذیری فرایند تفسیر قرآن، اجزای اصلی این منطق شمرده می‌شود:

مبانی صدور تفسیر قرآن را می‌توان چنین برشمرد:

۱. قرآن سخن خدا و متن و محتوای آن الهی است. «إِنَّ هُوَ إِلَهًا وَحَيُّ يُوحَىٰ» (نجم / ۴)

۲. قرآن مصون از هرگونه تحریف است. «وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر / ۹)

۳. دعوت قرآن همگانی است. «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره / ۱۸۵)

۴. قرآن جامع و کامل برای هدایت بشریت است. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (مائده / ۳)

۵. قرآن کتاب راهنمای ابدی و جاودانی است. «وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ» (جمعه / ۳)

مبانی دلالتی تفسیر قرآن را نیز می‌توان چنین برشمرد:

۱. قرآن فهم‌پذیر است؛ نه معما است و نه رازی سر به مهر میان خدا و رسول ﷺ و ائمه علیهم السلام.

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (محمد / ۲۴)

۲. تفسیر قرآن مجاز است و فهم با تدبر و روشمند، اعتبار و حجیت دارد. «کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» (ص / ۲۹)

۳. زبان قرآن، زبان هدایت عموم مردم و منطبق با فطرت بشر است. «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره / ۱۸۵)

۴. تفسیر به رأی ممنوع است. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ» (صف / ۷)

۵. قرآن به استناد احادیث بطون قرآن، دارای سطوح و مراتب گوناگون معنایی است.

تکیه بر قرائت صحیح، بهره‌گیری از دانش‌های مقدماتی تفسیر، توجه به معنای لغوی واژه‌ها، استناد به ظهور مستقر کلام نه ظهور ابتدایی و بدوی، اهتمام به جداسازی معنای حقیقی از غیر حقیقی با تأکید بر اصالة الحقیقه، رعایت عام و خاص و استناد به عام پس از فحص از مخصص، رعایت مطلق و مقید و اطلاق‌گیری با توجه به مقدمات حکمت، توجه به تنوع دلالت‌های کلام (دلالت مطابقی، تضمینی، التزامی، اقتضای تنبیه و اشاره)، نگاه به وجوه مختلف معنا، محدود نشدن به برخی معانی و انتخاب مناسب‌ترین معنا، در نظر گرفتن سیاق آیات و بافت کلام، توجه به تطور کلمات و معنای الفاظ (پیش از قرآن، در قرآن و پس از قرآن)، اصل قرار دادن محکمت و ارجاع متشابهات به آنها، نگاه منسجم به مفاهیم قرآن با عنایت به پیوستگی متن قرآن کریم، ملاحظه روایات معتبر تفسیری و سنت شارح در تفسیر قرآن، استفاده از منابع و ابزارهای معتبر در تفسیر و بهره‌گیری از عقل استدلالی در تفسیر، از اهم قواعد تفسیر است. (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵ - ۴۳)

معیارها و ضوابط تفسیر که تفسیر معتبر را از غیرمعتبر جدا می‌سازد گاهی مربوط به مفسر است و گاهی مربوط به فعل تفسیر است. مهم‌ترین معیارها و ضوابط تفسیر عبارتند از:

۱. تفسیر قرآن براساس منابع و مستندات و قرائن معتبر؛

۲. تفسیر قرآن براساس روش صحیح؛

۳. تفسیر قرآن توسط مفسر دارای شرایط؛

۴. پرهیز از پیش داوری و تحمیل نظر بر قرآن. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱ / ۵۰۶ - ۴۱۷)

### ۳. دسته‌بندی جریان‌های التقاط در تفسیر و مطالعات قرآنی معاصر ایران

براساس استقراء و با بررسی وجوه اشتراک و نیز واکاوی تفاوت‌های جریان‌های التقاطی (در چهار عرصه: گونه‌های بروز و ظهور التقاط در تفسیر، رخنه‌گاه‌های التقاط در تفسیر، وابستگی به جریان‌های فکری و چگونگی خروج از منطق صحیح تفسیر)، جریان التقاط در تفسیر و مطالعات قرآنی در سده اخیر ایران در سه جریان اصلی گروه‌بندی می‌شود:

**یک. جریان التقاط علمی - تجربی**

تفسیر علمی رویکردی است که در سده اخیر به شدت مورد توجه مفسران قرار گرفته و با اینکه شیوه اعتدالی آن آثار مبارکی به ویژه در اثبات اعجاز علمی قرآن به همراه داشته است اما رویکرد افراطی آن، اسباب انحراف و التقاط بوده است که در این مقاله مورد بحث است.

جریان التقاط علمی - تجربی در نتیجه علم‌زدگی افراطی در میان جریان روشنفکری دینی شکل گرفته است. منظومه فکری و اندیشه دینی این جریان با سه مشخصه اصلی: تکیه بر علم‌گرایی در تبیین دین و نو کردن آن؛ تبیین کارکردگرایانه از دین و فاصله گرفتن از دین‌شناسی اجتهادی حوزوی یا خط فقاقت و با سه مشخصه فرعی: غرب‌گرایی، ملی‌گرایی و مبارزه با تفکر فلسفی - یونانی تعریف می‌شود. گفتمان غالب بر این جریان، تطبیق مفاهیم غربی با مفاهیم اسلامی با این پیش‌فرض است که اسلام واجد همه چیزهای خوب و دانش غرب فاقد ایدئولوژی است. برای نمونه مهدی بازرگان تلاش می‌کند تا پراگماتیسم غربی را بر عمل‌گرایی در اسلام منطبق کند. در این تصویر، نه تنها انسان مؤمن، یک فرد عمل‌گراست که به قول بازرگان «خداوند پراتیک است!» (بازرگان، ۱۳۲۸: ۴۴) او در شرح قانون آنتروپی و تزاید آن در طبیعت و اینکه این قانون مستند ماتریالیست‌ها برای نشان دادن حرکت رو به انحطاط عالم و در واقع تصادفی بودن مسیر حرکت و عدم وجود نظارت عالی است، به قانون تکامل اشاره کرده می‌گوید: تعبیر قرآنی این دو قانون؛ یعنی آنتروپی و تکامل، یحیی و یمیت و یحیی است که در قرآن آمده است. (بازرگان، ۱۳۴۱: ۱۵ - ۱۴)

بازرگان در پاسخ این پرسش که چرا التقاط را تنها از ناحیه دل‌باختگان به مارکسیسم می‌داند و به خطری که از غربی‌های اروپا و امپریالیسم آمریکا می‌رسد توجه چندانی نمی‌شود می‌گوید:

غرب، اروپا و آمریکا نیز فراموش نمی‌شود و لعنت بر هر دو ابر قدرت و مکتب باد، تفاوتی که وجود دارد این است که ابر قدرت غربی با کاپیتالیسم و امپریالیسم برای مسلمانان و کشورهای ضعیف جهان عنادانگیز و جهان‌خوار است در حالی که علیه خود اسلام معارضه خاص و خطری ندارد ولی مارکسیسم و قدرت‌های پیرامون آن هم برای اسلام خطرناک و دشمن مکتبی است و هم برای مسلمانان و کشورهای ضعیف جهان. (بازرگان، ۱۳۸۹: ۷۳)

از این عبارات به دست می‌آید که او برای غرب، ایدئولوژی و تفکری که به اسلام ضربه‌ای وارد کند، سراغ ندارد، گویی او نیز همچون مارکسیست‌ها، امپریالیسم را یک واقعیت اقتصادی صرف و فاقد هجوم فرهنگی می‌داند؛ با اینکه در اساس استعمار اقتصادی، استعمار فرهنگی نیز وجود دارد.

خلط کردن مباحث علم تجربی با معارف دینی و قرآنی؛ تفسیر علمی مفاهیم غیرمادی؛ تجزیه معارف دینی و قرآنی؛ زمینه‌سازی انکار برخی از امور دینی؛ تقویت پیش‌فرض نقصان قرآن؛ بی‌توجهی به سنت در کنار قرآن؛ طرد روش فلسفی؛ تبیین کارکردگرایانه از دین؛ تطبیق و انطباق اسلام با مکاتب دیگر، (به‌ویژه با دستاوردهای مدرنیسم؛ یعنی لیبرالیسم و حقوق بشر و سایر ارزش‌های مدرن)؛ جزءنگری به جای کل‌نگری (یعنی جایگزینی بخشی از اسلام به‌مثابه کل آن) و تحمیل پیش‌فرض‌ها، مهم‌ترین آسیب‌ها و پیامدهای منفی این جریان است.

علمی کردن مذهب اگرچه زمینه را برای پذیرش قسمتی از امور دینی ایجاد می‌کرد، اما در مقابل بسیاری از معارف دیگر را نیز که قابل تجربه نبود انکار می‌کرد. این تعبیر بازرگان که: علم اشتباهات و خرافاتی را که به دین چسبیده بود پاک کرد، (بازرگان، ۱۳۳۶: ۷۱) خود به خود زمینه حذف بسیاری از مسائل دینی را که با علم قابل اثبات نیست (البته قابل نفی هم نیست) فراهم می‌آورد و هرچند افرادی از روی تعصب دینی، زمانی به آنها باور داشته باشند با از بین رفتن این تعصب زمینه انکار آنها فراهم خواهد شد.

### دو. جریان التقاط انقلابی - مارکسیستی

این جریان در نتیجه نفوذ اندیشه‌های ماتریالیستی در میان جریان روشنفکری ایدئولوژی‌گرا پدید آمده است.

منظومه فکری و اندیشه دینی این جریان با سه مشخصه اصلی: معرفی اسلام به‌عنوان ایدئولوژی برای ایجاد انقلاب و تحول و دین انقلابی، سازگاری سوسیالیسم و اسلام و باور به مارکسیسم به‌عنوان علم مبارزه و با سه مشخصه فرعی: طرد شدید تفکر سنتی، طرح اسلام منهای روحانیت و برداشت‌های ذوقی و شخصی از قرآن مشخص می‌شود. حبیب‌الله پیمان در صفحه نخست کتاب *سوسیالیسم مردم ایران* که در شهریور ماه ۴۱ نوشته، آورده است: «به نام خدا: سوسیالیسم مظهر حق‌طلبی و عدالت‌خواهی انسان‌هاست». در متن هم شرحی از چگونگی اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران آورده و تأکید می‌کند: «همه شئون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ما باید متحول گردد و تنها سوسیالیسم است که قادر به چنین تحول ثمربخشی است.» (پایدار، ۱۳۴۱: ۵۷) «سوسیالیسم آرمانی انسانی است که به بهترین شکلی در این دوره از تاریخ می‌تواند وسائل اقتصادی موجود را به شکلی منطبق با منافع اکثریت مردم درآورد.» (همان: ۱۰۱)

در جای دیگر آمده است: «جنبش سوسیالیستی مرحله تکاملی نهضت ضد استعماری ملت ایران است.» (همان: ۱۳۱) «بنابراین پشتوانه سوسیالیسم، مبانی اخلاقی و انسانی است. در این دیدگاه طرز فکر

خداپرستی به این جهت که مروج ارزش‌های اخلاقی و انسانی است، می‌تواند مفید باشد.» (همان: ۱۰۸)

این کلی‌ترین بهره‌ای است که در این نوع از سوسیالیسم، از دین می‌توان برگرفت؛ یعنی تنها خداپرستی و برخی از آیات کلی قرآن که اشاره به قسط دارد، کافی است. تازه در این بخش هم «جامعه مسلمان ایران باید خدا را به‌عنوان مظهر جاوید حقیقت و عدالت، خوبی و کمال‌طلبی بشناسد و هرگونه پیرایه‌ای که تاکنون بر این مبنای اعتقادی بسته شده است، به دور بریزد» (همان: ۱۴۵)؛ یعنی خدایی را بپذیرد که سوسیالیسم مورد نظر را قبول داشته باشد.

بهمین بازرگانی از اعضای نخستین سازمان مجاهدین می‌گوید:

مارکسیسم به‌عنوان علم مبارزه مطرح شده بود ... در آن زمان می‌گفتند مارکسیست‌ها دو نوع حرف دارند: یک سری حرف‌های ضد دین دارند که مزخرف است و باید کنار گذاشت، یک سری حرف‌های دیگری هم دارند که علم مبارزه است. اینکه چطور می‌توان قدرت را در چنگ گرفت و چطور یک گروه معلوم و آداب‌دان می‌تواند توده‌ها را بسیج کند و انقلاب راه بیندازد و حاکمیت را سرنگون کند، علم است. باید رفت و یاد گرفت. در این زمینه کمونیست‌ها بیشتر از ما کار کرده‌اند. (مهرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۸۸)

اکبر گودرزی می‌گوید: «ما اندیشه خود را به‌طور مستقل [از روحانیت] دریافت و مطرح نموده‌ایم ...». هرچند اکبر گودرزی به استفاده از تفاسیری چون: *مجمع البیان*، *تفسیر کاشف*، *تفسیر طبری*، *پرتوی از قرآن* و شاگردی در محضر علامه طباطبایی اشاره می‌کند، (پرونده اکبر گودرزی، شماره بازبانی ۷۷۴، بازجویی مورخ ۵۹/۲/۲۰) اما در نهایت، آنچه که رقم می‌خورد، برداشت‌های کاملاً شخصی و ذوقی از قرآن است.

گفتمان غالب بر این جریان در نتیجه شیفتگی نسبت به تفکر مارکسیستی، استفاده از ادبیات جدید و برداشت نوین از اسلام است که با نگاهی انقلابی و متأثر از مادی‌گرایی و تجارب مبارزاتی مارکسیستی، به تجزیه و تحلیل مسائل مذهبی می‌پردازد و به‌دنبال ارائه ایدئولوژی رادیکال بر مبنای آموزه‌های اسلامی است.

سازمان مجاهدین خلق و نیز گروه فرقان تشکل‌های اصلی این جریان هستند. جنبش مسلمانان مبارز به رهبری حبیب‌الله پیمان که در ادامه جریان چپ اسلامی سوسیالیست‌های خداپرست (بنگرید: نکو روح، نهضت خداپرستان سوسیالیست، ۱۳۷۷) شکل گرفت، نماینده دیگر این جریان و حبیب‌الله آشوری (بنگرید: جعفریان، همان، ۶۹۳ - ۶۹۰) از شخصیت‌های تأثیرگذار این جریان است.

آسیب‌های اصلی این جریان عبارتند از: تفسیر به رأی قرآن مجید؛ توجیه بی‌منطق مفاهیم قرآنی در راستای مبارزه؛ عدم رجوع به کتب روایی و احادیث (مگر نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه به‌طور نسبی آن هم مبتنی بر برداشت‌های کاملاً دل‌خواهانه)؛ مراجعه مستقیم، بدون ضابطه و غیرعالمانه به قرآن، تفسیر قرآن متأثر از مارکسیسم (با این تفاوت که فرقانی‌ها هرچند از مارکسیسم متأثر بودند، ولی اساساً خود نمی‌پذیرفتند که به متون مارکسیستی مراجعه نمایند، اما سازمان مجاهدین خلق با مراجعه مستقیم به منابع مارکسیستی، ماتریالیسم تاریخی را بر آیات تحمیل می‌کردند)؛ نگاه به دین و قرآن به‌عنوان یک متن با تحمل قرائت‌های مختلف که عملاً دین را به یک ابزار سیاسی - اجتماعی تبدیل می‌کرد. این اندیشه التقاطی در واقع مشتمل بر یک هسته مارکسیستی - سوسیالیستی و یک پوسته اسلامی بود.

### سه. جریان التقاط فلسفی - لیبرالیستی

این جریان در نتیجه نفوذ اندیشه‌های فلسفی - لیبرالیستی غرب در میان جریان روشنفکری سکولار ظهور کرده است. این جریان در مطالعات قرآنی و تفسیر آیات از مکاتب فلسفی غرب، به‌ویژه هرمنوتیک بهره می‌گیرد و بیشتر در مبانی صدوری و دلالی تفسیر قرآن سخن گفته و با رویکرد فلسفی و معرفت‌شناختی و پذیرش اندیشه‌های دموکراسی لیبرال وارد عرصه مباحث نظری و اجتماعی قرآن شده است.

شخصیت اصلی این جریان در ایران، عبدالکریم سروش با بهره‌گیری از فلسفه انتقادی کانت، هرمنوتیک فلسفی گادامر و ابطال‌گرایی پوپر در قبض و بسط تئوریک شریعت به نسبت‌گرایی فهم قرآن و معرفت‌دینی و نقد انگاره یقین‌گرایی پرداخت و با رویکرد هگلی، در ذاتی و عرضی دین، آموزه‌های قرآنی را به گوهر و صدف تقسیم کرد و با کمک الهیات لیبرال شلایر ماکر، در بسط تجربه نبوی، گوهر دین و وحی را تجربه دینی دانست. اندیشه‌های هرمنوتیک فلسفی گادامر به تدریج او را به نسبت در دین و وحی الهی و حقیقت پیامبر ﷺ کشاند و در نتیجه، قرآن را در کلام محمد ﷺ و محصول و ثمره پیامبر دانست. وی در مقاله اخیر خود با عنوان: «محمد ﷺ؛ راوی رؤیاهای رسولانه»، وحی را از اساس منکر می‌شود و قرآن را «خوابنامه محمد ﷺ» می‌نامد و مدعی می‌شود که چنان نیست که محمد ﷺ مخاطب آوایی قرار گرفته باشد و فرمان به ابلاغ آن داده باشند، بلکه محمد ﷺ روایتگر تجارب و ناظر مناظری است که در رؤیا و خواب‌های خود دیده است به او نگفته‌اند برو و به مردم بگو خدا یکی است، بلکه او در رؤیای خود خدا را به صفت وحدت دیده و روایتش از این رؤیا را با ما به زبان خود باز می‌گوید. از این رو، با تحکم می‌نویسد:

این تصوّر که فرشته‌ای آیه‌ها را به قلب محمد ﷺ فرو می‌ریخته است و او آنها را بازخوانی می‌کرده است، باید جای خود را به این تصوّر دهد که محمد ﷺ چون گزارشگری جان‌بخش و صورتگر و حاضر در صحنه، وقایع را گزارش می‌کرده است. به جای این گزاره که در قرآن، الله گوینده است و محمد ﷺ شنونده، اینک این گزاره می‌نشیند که در قرآن محمد ﷺ ناظر است و محمد ﷺ راوی است. خطابی و مخاطبی و اخباری و مخبری و متکلمی و کلامی در کار نیست، بل همه نظارت و روایت [از خواب و رؤیا] است. آن سَری نیست بل این سَری است!

از این رو، به این نتیجه می‌رسد که باید به جای «تفسیر قرآن» به «تعبیر قرآن» پرداخت!

## نتیجه

با اینکه در سده اخیر، شیوه سنتی و روش مرسوم تفسیر، به حیات خود ادامه داده است اما ظهور نهضت بیداری و اصلاح دینی در جهان اسلام، با ایجاد موج بازگشت به قرآن، فصل جدیدی در مطالعات قرآنی و تفسیر آن گشوده و به پررنگ شدن سهم استدلال عقلی، استفاده از دستاوردهای عقلی و علمی بشر، گشودن باب بررسی آیات قرآن فراتر از نقل حدیث و آرای گذشتگان، اتکا به پیش‌فرض‌ها، اصول و مبانی عقلی در تفسیر قرآن دامن زده و رویکردهای نوین را در پی داشته است. اقبال جریان‌های گوناگون فکری به مطالعات قرآنی در ایران معاصر، با اینکه به ظهور شخصیت‌های بزرگ قرآنی و تولید آثار برجسته تفسیری انجامیده است، اما به رونق پدیده نامبارک التقاط در حوزه اندیشه دینی به‌ویژه در تفسیر و مطالعات قرآنی نیز دامن زده است.

۱. در میان جریان روشنفکری دینی، در نتیجه علم‌زدگی افراطی و با تکیه بر علم‌گرایی؛ تبیین کارکردگرایانه از دین و فاصله گرفتن از دین‌شناسی اجتهادی حوزوی، جریان التقاط علمی - تجربی شکل گرفته است که گفتمان غالب بر آن، تطبیق مفاهیم غربی با مفاهیم اسلامی است. تفسیر علمی مفاهیم غیرمادی؛ آمیختن معارف دینی با علم تجربی؛ تجزیه معارف دینی و قرآنی؛ بی‌توجهی به روایات و تطبیق اسلام با دستاوردهای مدرنیسم پیامدهای منفی این جریان بوده است.

۲. در میان جریان روشنفکری ایدئولوژی‌گرا، در نتیجه نفوذ اندیشه‌های ماتریالیستی و با تلقی اسلام به‌عنوان ایدئولوژی انقلاب، سازگار دانستن اسلام با سوسیالیسم و شیفتگی نسبت به مارکسیسم به‌عنوان علم مبارزه، جریان التقاط انقلابی - مارکسیستی پدید آمده است که در واقع مشتمل بر یک

1. <http://www.dinonline.com/detail/News/989>; <http://www.rahesabz.net/story/71738>.



هسته مارکسیستی - سوسیالیستی و یک پوسته اسلامی است. این جریان آسیب‌هایی چون: مراجعه مستقیم و غیرعالمانه به قرآن، برداشت‌های ذوقی بی‌مهابا، تفسیر به رأی قرآن مجید و توجیه مفاهیم قرآنی در راستای مبارزه را در پی داشته است.

۳. در میان جریان روشنفکری سکولار، در نتیجه نفوذ اندیشه‌های فلسفی - لیبرالیستی غرب جریان التقاط فلسفی - لیبرالیستی ظهور کرده است. این جریان بیشتر در مبانی صدور و دلالتی تفسیر قرآن سخن گفته و متأثر از رویکردهای فلسفی و معرفت‌شناختی و الهیات لیبرال غرب، مدعی نسبت در فهم قرآن، تقسیم آموزه‌های قرآنی به ذاتی و عرضی و تلقی وحی به عنوان تجربه نبوی شده؛ در نتیجه، آیات را محصول پیامبر ﷺ و گزارش رؤیاهای او دانسته و نهایتاً قرآن را «خوابنامه محمد ﷺ» نامیده و به این نتیجه رسیده است که باید به جای «تفسیر قرآن» به «تعبیر قرآن» پرداخت!

### پیشنهاد

۱. نشانه‌هایی در دست است که نوعی التقاط عرفانی - تأویلی جدید، با تمسک به برخی آیات قرآن، توسط جریان‌های تأویل‌گرایی نوظهور با رویکرد عرفانی سکولار در حال ظهور است. با اینکه این پدیده هنوز تبدیل به جریان تفسیری نشده است ولی ضرورت دارد توسط محققان قرآنی رصد و در قالب مقالات علمی و پایان‌نامه‌های دانشگاهی و حوزوی نقد و بررسی گردد.
۲. در مبحث التقاط روشی اشاره شد که گاه، روش دیگر دانش‌های بشری بدون اینکه به اعتبار آن و نتایج حاصله اطمینانی باشد بر روش مرسوم تفسیر ترجیح داده می‌شود. این شیوه پیش از این توسط عده‌ای از محققان عرب با اجرای روش معمول در نقد متون ادبی در تفسیر قرآن، به کار گرفته شده است. در میان محققان قرآن‌پژوه معاصر ایران، علیرضا قائمی‌نیا از جمله نویسندگانی است که تلاش می‌کند با به کارگیری روش‌های جدید برگرفته از ابداعات متفکران غربی، تحولی در تفسیر و برداشت‌های قرآنی ایجاد کند. وی در کتاب *بیولوژی نص؛ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن*، تلاش می‌کند مباحث نشانه‌شناسی را بر قرآن تطبیق کند و مدعی می‌شود تنها راه خروج از انسداد به وجود آمده در مطالعات دینی و بازکردن گره از کار فروبسته رکود دو چندان تفسیر، روی آوردن به این نوع فعالیت‌ها است و پیش‌گویی می‌کند که این‌گونه زمینه‌ها به زودی انقلاب بزرگی در بررسی متون دینی به وجود خواهد آورد و نسل جدید تفسیرهای قرآن در دهه‌های آتی از مبانی زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی بهره خواهند گرفت و در فضای این‌گونه مباحث سیر خواهند کرد. ایشان در کتاب *معناشناسی شناختی قرآن* نیز تلاش می‌کند دستاوردهای زبان‌شناسی

شناختی را که در تحلیل معناشناسی زبان‌های طبیعی به کار می‌رود، فراتر از زبان، بر متن قرآن تطبیق کند. بایسته است نوشته‌های ایشان در این باب، توسط محققان مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. ۳. از آنجا که التقاط، جریانی مستمر در طول تاریخ تفسیر و مطالعات قرآنی بوده است، لازم است پژوهشگاه‌های دینی و مؤسسات پژوهشی قرآنی همواره مراقب روزه‌های نفوذ و رسوخ التقاط در محصولات و تولیدهای علمی و پژوهشی خود باشند و با تدوین استانداردهای تضمین سلامت فراورده‌های فکری و آثار تفسیری خود، مرزهای نوآوری روشمند را از هجوم آلودگی التقاط پاس بدارند.

۴. نقد مستمر آثار قرآنی و تفسیری نوپدید توسط صاحب‌نظران و ناب‌اندیشان دینی و انتشار آن در قالب مقالات تخصصی، می‌تواند به پاک‌سازی فضای مبارک قرآن پژوهی معاصر کمک کند، با هشدارهای لازم و به موقع، روزه‌های جدید التقاط را مسدود کند و به محققان جوان خطرهای پیش رو را گوشزد کند تا در دام التقاط‌های نوظهور گرفتار نشوند. پیشنهاد می‌شود مجله تخصصی «نقد تفسیر و مطالعات قرآنی معاصر» با هدف تأیید و حمایت از نوآوری‌های روشمند و نیز کشف و معرفی التقاط‌های جدید راه‌اندازی شود.

## منابع و مآخذ

### الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- آشتیانی، جلال‌الدین، ۱۳۵۸، *ایدئال بشر: تجزیه و تحلیل افکار ماتریالیسم*، تهران، بی‌نا.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌زاده، ۱۳۷۸، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، چاپار.
- ابن‌اثیر، مجدالدین، ۱۳۶۴، *النهاية فی غریب الحدیث و الأثر*، ج ۴، تحقیق طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناحی، قم، اسماعیلیان.
- احمد، حنفی، بی‌تا، *التفسیر العلمی للآیات الکوئیه*، قاهره، دار المعارف المصریه.
- اریک، ماتیوز، ۱۳۷۸، *فلسفه فرانسه در قرن بیستم*، ترجمه محسن حکیمی، تهران، ققنوس.
- اسعدی، محمد و همکاران، ۱۳۸۹، *آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری*، ج ۱، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بازرگان، مهدی، ۱۳۲۶، *راه طی شده*، تهران، قلم.

- \_\_\_\_\_، ۱۳۲۸، پراگماتیسم در اسلام، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۴۱، اسلام جوان، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۴، بازگشت به قرآن، تهران، قلم.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، مجموعه آثار (۲۵) بازیابی ارزش‌ها (۱)، تهران، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- بهشتی، سید محمدحسین، بی تا، سخنرانی‌های شهید بهشتی، تهران، سید جمال.
- البهی، محمد، بی تا، المنهج القرآنی فی تطویر المجتمع، ج ۱، بیروت، دار الفکر.
- پایدار، حبیب‌الله، ۱۳۴۱، سوسیالیسم مردم ایران، تهران، کانون تبلیغات و تعلیمات حزب مردم ایران.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۵۶، برداشت‌هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پرونده اکبر گودرزی، شماره بازیابی ۷۷۴، بازجویی مورخ ۵۹/۲/۲۰.
- جعفری، محمدرضا، ۱۳۷۹، فرهنگ نشر نو، تهران، فرهنگ معاصر.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۷، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران، خانه کتاب.
- حنفی، حسن، ۱۹۸۸ م، من العقیده الی الثورة، بیروت، دار التنویر.
- حمیم، سلیمان، ۱۳۷۹، فرهنگ انگلیسی - فارسی «حمیم»، تهران، فرهنگ معاصر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۶۴، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، کیهان.
- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۸، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم، مؤسسه حکمت نوین اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران
- رشیدرضا، محمد، ۲۰۰۳ م، تاریخ الاستاذ الامام، ج ۱، قاهره، دار الفداء.
- \_\_\_\_\_، بی تا، تفسیر المنار: التفسیر للقرآن الحکیم، ج ۵، بیروت، دار المعرفه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷، منطق تفسیر قرآن، ج ۱، قم، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه.
- الرومی، فهد بن عبدالرحمن، ۱۴۰۷ ق، منهج المدرسه العقلیه الحدیثه فی التفسیر، بیروت، مؤسسه الرساله.
- زرنشاس، شهریار، ۱۳۸۳، نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران، ج ۱، تهران، کتاب صبح.
- سجادی، طاهره، ۱۳۸۳، خورشیدواره، خاطرات طاهره سجادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سبحانی، یدالله، ۱۳۴۶، خلقت انسان، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۶، بسط تجربه نبوی، تهران، صراط.

- صلیبا، جمیل، ۱۹۸۲، *المعجم الفلسفی*، ج ۱، بیروت، دار الکتب اللبانی.
- عبدالله، ناصر علی، ۱۳۷۷، *المعجم البسیط*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- علوی مهر، حسین، ۱۳۸۱، *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، قم، اسوه.
- عمید، حسن، ۱۳۶۱، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
- عنایت، حمید، ۱۳۶۳، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران، بی‌نا.
- فارسی، جلال‌الدین، ۱۳۷۴، *فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی*، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه‌السلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، ج ۵، قم، هجرت.
- محتشمی، علی‌اکبر، ۱۳۷۶، *خاطرات سیاسی علی‌اکبر محتشمی*، ج ۲، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، *مجموعه آثار*، ج ۱۵، تهران، صدرا.
- مهرآبادی، مظفر، ۱۳۸۴، *بررسی تغییر ایدئولوژی در سال ۱۳۵۴*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نجات حسینی، محسن، ۱۳۸۰، *بر فراز خلیج فارس: خاطرات محسن نجات حسینی عضو سابق سازمان مجاهدین خلق ایران (۱۳۵۵ - ۱۳۴۵)*، تهران، نشر نی.
- نکو روح، محمود، ۱۳۷۷، *نهضت خدایپرستان سوسیالیست*، تهران، چاپخش.
- نوفل، عبدالرزاق، ۱۴۰۴ ق، *القرآن و العلم الحدیث*، بیروت، دارالکتب العربی.

#### ب) مقاله‌ها

- حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴، «امپراتوری عثمانی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب»، *جستارهای ادبی*، ش ۶۹، ص ۴۳۵ - ۳۲۵، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- سبحانی، محمدتقی، ۱۳۸۵، «درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر (۱)»، *نقد و نظر*، ش ۴۴ - ۴۳، ص ۳۱۱ - ۲۷۹، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.